

سال اول	اول شهر الرحمة	۳ تیر ماه ۱۳۲۵	۱۰۳ بدیع	شماره دهم
---------	----------------	----------------	----------	-----------

آهنگ بدیع قبل از انتشار به تصویب محفل مقدس روحانی طهران میرسد

مجله آهنگ بدیع	از انتشارات کمسیون نشریه لجنه جوانان بھائی طهران	آهنگ بدیع	تاریخچه بنای
احتیاج به	مجموعه های	سالانه	مشرق الاذکار
نجم یا خترو	خورشید خاور	ده ماهه	عشق آباد را
دارد از خوانندگان	که مجموعه های	پنج ماهه	بضمیمه عکس
مذکور را داشته	مذکور را داشته	آدرس مجله	زیبای آن در
			شماره یازدهم
			خواهیم
			کسری

((مدیر رسیده تایستانه))

مدیر تایستانه در چهار دوره ۱۵ روزه از ۱۵ تیر ماه ۱۳۲۵ الی ۱۵ شهریور ماه ۱۳۲۵ در شیران تشکیل خواهد شد و او طلبین میتوانند هر روز از ساعت ۶ الی ۹ بعد از ظهر بناظم مجمع جوانان بھائی در حظیرة القدس ملی مراجعه و پس از تادیه مخارج نام خویش را ثبت نمایند چون تعداد شرکت کنندگان محدود خواهد بود حق تقدم یا کسانی است که زودتر مراجعه و نام خویش را ثبت نمایند

توضیح: مخارج بگدوره مدرسه برای یک نفر ۸۰۰ ریال میباشد و برای محصلین (که شغل آنها تحصیل است) ۶۰۰ ریال و برای اطفال از سه الی ۷ سال ۳۰۰ ریال است (لجنه مدارس تایستانه)

و حاضر یا هدایا یا فروش می باشند متنی است بد فتر مجله و اتعه در حظیرة القدس رجوع فرمایند (( آهنگ بدیع و خوانندگان ))

آقای عنایت اله مدبر مسیحاتی از طرف شاگردان کلاس پنجم در رس اخلاق ناحیه چهل خواره جریان مشروح جشن کلاس در رس اخلاق خود را با تلمس شهوا برای ما ارسال داشته اند - لیکن فعلا - بعلت ضیق صفحات از دینج آن خود داری میکنیم و امید داریم که دیگر اطفال عزیز بھائی نیز که اداره تشکیلات آینده امردرد است آنهاست به ایشان تاسی نموده و با ارسال حکایات و مثالا با ما در نتیجه یا دیگر رفقای خود همیشه در ارتباط باشند - آدرس مکاتبات مجله: حظیرة القدس جنب سالن و رودی مجمع جوانان مقدس مکاتبات آهنگ بدیع است

تک شماره ده ریال است

(۱)

(۲۰۰)

## فهرست مندرجات

۱ - جامعه عمومی دنیا	صفحه ۳ و ۴ و ۵ و ۶	بقلم زرژ - ۱ - لتیمر
۲ - شهادت مستشرقین	۶	بقلم پروفیسور دکترو و لسنی
۳ - تفحات مشکبار	۷ و ۸	—
۴ - شرح حال دکترا سلنت	۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱	بقلم آقای ابوالقاسم فیضی
۵ - پیاد دوست عزیز درمزمز برومند (اخبار)	۱۲ و ۱۳	بقلم آقای مو عبیت اله مدرس
۶ - ادبیات	۱۴	اشعار از آقایان حبیبی کرمانشاهی و دستوری
۷ - صلح یا مفید اصل یہا	۱۵ و ۱۶	بقلم آقای سیروس ارجمند
۸ - عقل سالم و روح سالم	۱۶ و ۱۷	بقلم آقای سررنگ هدایت اله سہرا
۹ - دلی بی آرزو نیست	۱۷	از بیانات شفاهی حضرت عبد البہاء
۱۰ - قسمت کودکان - چند تمبیخت	۱۸	ترجمہ و نگار شرعزت العزہرائی
۱۱ - نہنگ آتشی	۱۹ و ۲۰	بقلم آقای اشراق خاوری
۱۲ - سئوال و جواب	۲۱ و ۲۲	—
۱۳ - مسایات	۲۲	—

عکس روی جلد - دکترا جان اینتر سلنت مربوط بہ صفحہ ۸

شہر الرحمۃ من سنۃ الجہاد تاریخ بدیع		تقسیم آہنگ بدیع من الواحد السادس من کل شہین الاول ۱۳۲۵		اہام ہفتہ		اہام ہفتہ			
تبر	رجب	زوشن	تعطیلات	اہام ہفتہ	رحمۃ	تبر	شعبان	زوشنہ	تعطیلات
۲	۲۴	۲۴	۲۴	۱۰	۱۰	۱۲	۳	۳	۳
۴	۲۵	۲۵	۲۵	۱۱	۱۱	۱۳	۴	۴	۴
۵	۲۶	۲۶	۲۶	۱۲	۱۲	۱۴	۵	۵	۵
۶	۲۷	۲۷	۲۷	۱۳	۱۳	۱۵	۶	۶	۶
۷	۲۸	۲۸	۲۸	۱۴	۱۴	۱۶	۷	۷	۷
۸	۲۹	۲۹	۲۹	۱۵	۱۵	۱۷	۸	۸	۸
۹	۳۰	۳۰	۳۰	۱۶	۱۶	۱۸	۹	۹	۹
۱۰	شعبان	شعبان	شعبان	۱۷	۱۷	۱۹	۱۰	۱۰	۱۰
۱۱	۲	۲	۲	۱۸	۱۸	۲۰	۱۱	۱۱	۱۱
۱۲	۳	۳	۳	۱۹	۱۹	۲۱	۱۲	۱۲	۱۲

# جامعه‌شناسی

ترجمه و انتیاس از کتاب  
عالم بهائی جلد هفتم

بقلم ژرژ ا. لتیمر

George O. Latimer

رویزوال گذاشت در حقیقت هیئت اجتماع بمنزله هیکل بشری است که برای داشتن صحت کامل محتاج به تعاون و تعاضد اعضا و جوارح است حضرت بهید البهائیه در این باب میفرماید :

((مادام که اعضا و اجزای هیکل بشری با یکدیگر به صلح و صفامعاضدات و همکاری نمایند صحت کامل حاصل و هر وقت بین آنها اختلاف و عدم موافقت بروز نماید نزاع داخلی در هیکل انسان ایجاد خواهد کرد پس در چون این اختلاف و تناقض و ام باید و رویشدت نهسد بالمال تفرقه و انحلال و فتنای قیل از موعه برون خواهد پیوست))

بنابراین محبت و صلح و وحدت عامل مهم برای حفظ و وقایع اجتماع میباشد بدین معنی که حیوانی که بین نژادها صلح و صفای بین ملل و وحدت احساسات و جدائی بین افراد مختلفه یک هیئت اجتماع از لوازم ضروری حفظ و ضیانت این جامعه است .

امان در عصر حاضر اوضاع یکی تغییر یافته زیرا تقریباً جدیده در عالم علم و صنعت و وسط و مسائل ارتباطی و تجارت بین المللی و ایجاد بین هم واد بوسه و سایر اختراعات و اکتشافات مهمه حدود و قیودی را که سابقاً سبب جدائی جامعه های مختلف بوده از بین برده است به عبارتی اخیری مدنیته صنعتی امروزه ملل و نحل را با یکدیگر نزدیک نموده و انقلاب عظیمی در عالم بشریت ایجاد کرده است .

جامعه عبارت از دستمای از نفوس است که بوسیله منافع و علائق مشترک بیکدیگر پیوسته و در تحت نظام و قانون واحد میباشند پدید آید این جامعه نتیجه یکسلسله روابط اختیاری طبیعی است بین اقوام و مللی که بدو دارای ادب و اخلاق مختلفه و افکار و عقاید متنوعه بوده لیکن چون همواره ناگزیر از مواجهه با رشته مشترکس از مسائل زندگی بشری میباشند بتدریج دارای نوعی و مشرب واحد برای مبارزه با مسائل مزبور گشته اند محرک و سائق اصلی کموجد این وحدت بین شخصیت های مختلفه میباشد نوعاً روحی بوده و منجر به انسان مشترک بین اقوام و ملل مزبور میگردد و از این اجتماع نفوس مشترک المنافع تدریجا ملل مشترکی راجع بطرز حکومت و عقاید فلسفی و نظامات اجتماعی و اقتصادی و بالاخص اخلاقیات و مذاهب ایجاد گردیده است .

در اعصار ماضیه نظر به جدائی اقوام و فقدان وسائیل ارتباطیه و اختلاف محیط و اوساط این جامعه های مختلف بتدریج هر یک دارای نظم اجتماعی و افکارس روحانی مستقلی گردیدند جامعه های مزبور رفت و مرته بسط و توسعه یافته و از اتحاد چند جامعه ملت واحدی بوجود آمد و چون ملتی رشد و بلوغ یافت و به حد کفایت قدرت و قوت حاصل نمود بوسیله تجاوز و استعمار و بالاخره از طریق مخاصمه با جامعه های ضعیفتر به توسعه دایره نفوذ خویش اقدام نمود و بالتبع اجتماعات عمومی متزلزل و تمدن نفوس منهدم و نظم اجتماعی

توانیم ارزش واقعی تمدنهای مختلفه عقاید و عادات و طرز فکر روحانی ملل سائره را که با افکار عقاید ما اختلاف کلی دارد بدست آوریم؟ علوم و صنایع برای ترفیحات آتیه بشر کاملاً پیشرفت نموده لیکن فکر اجتماعی انسان برای ابداع و ایجاد نظم نوین دنیائی بقدر کافی ترقی ننموده است حضرت ولی امرالله در باب مجاهدات بشر در میدان دنیائیت و سیاست و اقتصاد و اجتماع - ضعف و ناتوانی کنونی ملل را در مسائل دنیائی <sup>بمنحور</sup> روشنی تشریح فرموده اند مضمون بیان مبارک در لوح موسوم به "هدیه نظم بدیع دنیائی" اینست که "نگرانی واضطراب ناشی از وجود بشر از سس ملایون نفوس در قاره اروپا که با آنها معامله اقلیت میشود - دستجات و نوای عظیم روز افزون بیکارگی و تحمیلات طاقت فرسای آنها و آثار مضره این اوضاع در اخلاقیات و روحیات دول و ملل - مسابقه و رقابت بی حد و حصر مذمومه بین ملل در تهیه و تکمیل تجهیزات عسکریه که رفته رفته سهم متزایدی از مالیه ملل تمسکیت را تصاحب نموده است - انحطاط و کساد بی بازارهای مالی بین المللی که روز بروز اثرات آن محسوستر میشود - توسعه و نفوذ بی حدی عدم توجه با اصول و مبادی مذهبی و استبدادی آن بر حصن حصین تشکیلات مسیحی و اسلام تا این زمان از هرگونه هجوم و تسلط مصون و محفوظ شمرده میشد جمیع اینها از علائم و مشخصات عظیمه و دنا هشت آوری است که آینده - بسیار وخیم را برای سازمان تمدن جدید بشری اختیار مینماید." حضرت ولی امرالله علاوه میفرمایند

ژان هرمان رندال John Herman Randall. در کتاب خویش موسوم به "اتحاد ملل دنیا" مینویسد "ملل مختلفه از وضعیت سابقه که عبارت از استقلال کامل و عدم احتیاج به خارج بوده در آمده و خواهی نخواهی احتیاج شسته بسد متقابل نسبت بیکدیگر حاصل نموده اند بطوریکه هر یک محتاج دیگری بوده و پندرای اندامه حیات مساعدت سایر ملل را نیازمندند در امریکا یا مالک دیگری نیست کینه برای زندگانس بومبیه از حوائج ضروریه تا جمیلات تزائذ و ادائات با حیات نفوس دیگری و مالک عقاید کینه - در آرای آداب و رسوم و لسان مختلف میباشد تعارض داشته و نتیجه زحمات آن نفوس برای اندامه حیات وی ضروری نباشد در حقیقت نفس موجود نیست که بتواند یک بهم از ایام حیات خویش را بدون کمک و مساعدت ملل و مسالک سائو صرف نماید" زمامداران امور تجارت باید نظریه این تغبیرات و تحولات اموز را بر اساس افکار نوین مورد مطالعه قرار دهند و پندرای این مقصود لازم است که نفوس مزبور در آرای فکر بین المللی باشند تا بتوانند قدمهای وسیعی را که علم و اختراع و تجارت برای پیشرفت این ارتباط و اختلاط ملل برداشته و مربوط بزندگسی ملل مختلفه در اقالیم شامعه است من حیث المجموع تحت ذره بین مطالعه و دقت در آورند مستر هاجکس Mr. Hotch Kiss. در کتاب خود موسوم به "تجارت و معرجه بدیع" مینویسد: "راجع باین فعل و انفعالات نمیتوان فکر روشن و صحیحی بدست آورد مگر موقعی کسبه

عالم انسانی چه از نظر اخلاق فردی و چه از لحاظ روابط موجوده بین جامعه ها و ملل مختلفه مع الاسف پیروی از صراط مستقیم و منهج نوبه منحرف و دچار انحطاط و تدنی گردیده که مساعی و مجاهدات بهترین زمامداران و سیاستمداران مسلم و مشهور هر قدر مفرور به بیخبری و توأم با تعاضد و تعاون و هم عنان یا شوق و اشتیاق و فداکاری و جانفشانی در سبیل خدمت عموم باشد نمیتواند بدون اعانت الهی و سببه نجات و استخلاص عالم انسانی گردد هرگونه نقشه و طرحی که در نتیجه حساب و مطالعه دقیق عالیتزین مردان سیاسی تنظیم شود و هر عقیده و مسلکی که برطبق آرزو و آمان متخصصین در علم اقتصاد تهیه و تکمیل گردد هرگونه اصول و مبانی که از طرف علمای اخلاق طرح و القا شود نادر نیست در وهله آخر و سرمنزل نهائی اساس و شالوده محکمی برای دنیای پریشان و آشفته کنونی ایجاد نماید .

منظور بهایات و مصائب حاضره ما بسبب حسن و سوء حسن متزاید و عداوت نژادی و میل یا انتقام و معارضه میثل که از قیایای یلایای جنگ گذشته است و بیوفائی و بی اعتنائی نسبت به تعهدات و تجاوز و عدول از معاهدات و موثقیق بین ملل دهشت افزا تر گذشته است .

بنابراین در مرحله فعلی از مراحل نشو و ارتقاء جامعه بشری مهمترین عمل و اقدام ما آن است که نظام اجتماعی جدیدی ایجاد کنیم که بوسیله آن نعمتها کافله احتیاجات مادی و اقتصادی و اجتماعی بشر باشند بلکه بتوانند قلب بشر را بنور ایمان منور نمایند حضرت ولی امرالله در قسمت نهائی بیان خود اشار

میفرمایند " این حقیقت روز بروز واضح تر میشود که هیچ توه ای جز آتش سوزان یلایا و مصائبی که در شدت وحدت بی نظیر باشد نمیتواند دستبها متباینه عالم را که اجزاء و عناصر مدنیته کنونی را تشکیل میدهند بیکدیگر مرتبط و ملائم نموده و از ترکیب و تالیف آنها اتحادیه ملل دنیا را ایجاد نماید ."

در تشکیل اتحادیه ملل يك نوع حکومت فوق حکومتها باید تدوین و بوجود آید که دارای تاسیسات و تشکیلات وسیعه است موسسه که در بین موسسات در صف اول قرار دارد يك مجلس شورای عمومی دنیاست که اعضا آن از طرف جمهورناس در ممالک مربوطه انتخاب خواهند گردید موسسه دیگر محکمه کبری است که احکامش نهائی و قطعی است حتی در مورد دول متخاصم که در حل مسائل اختلافات خویش از مراجعه به محکمه ضرور خود داری نمایند و بگروه مجریه بین المللی که دارای قدرت کامل برای تنفیذ احکام و مطیع ساختن دولی است که از اجرای تصمیمات متخذه سر بچی مینمایند اقتدار و اختیارات این موسسات مبتنی بر اساس جامعه عمومی دنیای معنی اتحادیه است که از اتفاق ملل حاصل شده باشد این اتحادیه از افکار و نظریات کوتاه و ناپایخ مجلس آزاد و رفته رفته برطبق قانون نشو و ارتقاء ایجاد حس ملیت دنیائی در نفوس مینماید بدین ترتیب -

حیات بشری را مطابق با اوضاع متغیر هیئت اجتماع که رویتزین و تکامل است دارای اساس و شالوده وسیعتری خواهد شدند و نتیجه و ثمره مآلی این -

تغییرات تجدید حیات و پیدایش رونق و حرارت تازه در امور تربیتی و فرهنگی بشر و تولید روح نوین در دایره صنایع و علوم و امنیت و مصونیت در روابط اقتصادی و بازگشت اعتماد و آسایش روح و وجدان خواهد بود .  
نقشه و نظریه بهائی این نیست که مویستات موجود را از میان بردارد بلکه نظر اینست که نظم اجتماعی بشر را بقالب نوینی درآورد حضرت ولی امرالله در این خصوص بیانی بدین مضمون میفرمایند :  
" منظور و مقصود بهائی با تعهدات و اطاعت قانونی و مشروع نسبت بحکومات میباشند ندارد زیرا منظور و مقصود بهائی این نیست که شعله وطن دوستی و میهن پرستی عاقلانه و صحیح را در قلوب مردم خاموش کند و یا اصول استقلال و تمامیت ملی را که برای جلوگیری از مفاسد تمرکز افراطی امور در مرکز واحد بی

نهایت لازم و ضروری است محورزائل گرداند . نظم بهائی منکر اختلاف اصل و مبدأ نژادی و تفاوت آب و هوا و تاریخ و لسان و سوابق ملی و عقاید و عادات که خصوصیات اقوام و ملل عالم را تشکیل میدهند نمیباشد بلکه میخواهد بدیستیکها و تعلقات بشر را و سببترنمود و آموختن را که بیشتری را که عالم بشریت تاکنون بدان موفق نشده است ایجاد نماید عقیده بهائی جدا طرفدار است که احساسات و منافع ملی تابع مقاصد و مصالح عمومی در نیای متحد گردد عقیده بهائی تمرکز افراطی و زیاده از حد امور را در مرکز و استوار کردن امور اجراء شود اجتناب میورزد . . . . . بالاخر متعاضد بهائی طرفدار اصلاح و تجدید سازمان عالم و ترک سلاح در تمام دنیا میباشند " ( ناعلم )

\*\*\*\*\*  
 بقلم پرفسور      + شهادت مستشرقین +      دکترو و لسانی  
 \*\*\*\*\*

۱- امروز دنیا تغییر کرده است و عوامل کنونی سد موانع و مشکلات را که سبب تفرقه ملل از یکدیگر شده در هم شکسته عالم محتاج یا متمدد از قوه ایست عظیم و روحانی که سبب وحدت انسان و جهت جوامع ارتباط بشری باشد و من معتقدم که دیانت بهائی دارای چنین نومی و اثر است و این درجه از موفقیت نا ثل خواهد شد و تا آنجا که از تعالیم حضرت بهاء الله اطلاع داریم در این عقیده موجد اصول این موفقیت را حتمی و یقین میدانم . . . در بین بشر مصلحینی وجود داشته و حضرت بهاء الله ناجی و مصلح قرن بیستم اند . همه چیز باید یا سایر دموکراسی پیروی شود و اخوت بین المللی بین اینها نوع انسان محکم و استوار گردد اول باید بخود اعتماد نمود و بعد بسایرین و راه وصول این مقصود تربیت روحانی داخلی است که تحقیق آن فقط در ظل دیانت بهائی ممکنست .

۲- من هنوز بعقیده چهار سال قبل دستم که نهضت بهائی بهترین اساس و پایه خیرخواهی و محبت بین المللی است و حضرت بهاء الله خالق و موجد رابطه ایدی بین شرق و غرب هستند . . . تعالیم بهائی دیانت زنده و فلسفه حیات است . . . من دیانت مسیحی را توهین نمیکنم زیرا در اروپا وظائف مهمه در سبیل تربیت نفوس انجام داده است ولی در شریعت مسیح فعلا یقیناری از اصول تعبدی و اوهام وجود دارد . . . دیانت بود از قرن ششم قبل از میلاد برای هند بسیار نافع بود و تعالیم حضرت مسیح از برای عالم مفید بوده است ولی از آنجا که در عقول و افهام بشر ترنی حاصل شده نباید فیوضات و هدایت الهی متوقف گردد اینست که دیانت بهائی در نیاله سیرت و ترقی و تکامل ادیان الهیه است . ( نقل از جزوه عقاید مستشرقین )

\*XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX\*

۱۶ فوریه ۱۱۱۶ قمری :  
X  
X

وقتیکه احباب در قلعه شیخ  
X  
X

طبرس محاصره شد بودند و \*XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX\*

# نجات مبارک

X هوا سرد است و در آن اطاق  
X

X آتش کرده بودند اینها هم محض  
X

X آمدند پشت اطاق و خشت را آورده از آن پشت  
هرچه اسلحه بود بیرون بردند از در نیامدند کسبا را  
همهاوشود باری چون اسلحه را بدست آوردند بنا  
کردند بشلیت زدن جمال مبارک و احباب بیدار شدند  
که چه خبر است چون بیرون آمدند گفتند باید  
تسلیم شویم چاره نیست جمال مبارک و یازده نفر  
احباب را دستگیر نمودند و در همان شب بردند به  
آمل (( بعد از این دو استان چوب و تنبک علماء جمال  
مبارک و نذبه استباه اخوند که بکلمه صحوا براد کسر  
و آن ورقه را از جیب حاجی میرزا جانی بیرون آوردند  
و در استان اتمام میرزا تنبک خان به خلاصی جمال مبارک  
از چنگال اعدا و خبر دادن بحیاط قلعه ان وسغارش  
اوکه بنیاد یک موی از سر مبارک کم شود و عذر خواهی  
تنبک خان و عزیمت جمال مبارک از آمل به بندر که در  
یکی از خطبات اروپا هم مذکور است میفرمایند)) البسی  
توله عزیزانه جمال مبارک هم سوار شده تشریف  
آوردند بندر رجز و آنجا کشتی روس حاضر بود و در  
بیگی هم خانه ساخته بود بحد ورود بندر رجز -  
قاصدی مخصوص رسید که محمد شاه اعلان نموده که  
هرجا جمال مبارک را به بینند بکشند ۱۰۰۰۰۰ (( بعد  
نذبه مودی هم در آن فرمودند آنچه در لوح احبای  
بندر رجز از قلم میناق جل نشانه نازل گردیده )) الی  
تولعهز بهانه در روشن که جمال مبارک در مسجد آمل در حضور  
علماء تشریف داشتند شخصی تاجر کاشی از اغیار در  
آن مجلس برخاسته بعلماء اظهار داشت که من خواهی

عباسقلی خان با عسکر زیاد در آن قلعه راهفت سنگسار  
یسته بود و هیچکس نمیتوانست خود را بیاران برساند  
جمال مبارک با یازده نفر مصمم شدند که رفته و خود را  
بهر نوع دست بقلعه برسانند از جمله این یازده نفر  
حاجی محمد اسمعیل بدیع بود و برادرش حاج میرزا  
جانی که این دو نفر از اهالی کاشان بودند و تاجروند در  
طهران بحضور مبارک مشرف شده بودند و بگری عبدا  
بیک بود خیلی باجرات و شجاع او اظهار داشت کسه  
خود را بهفت سنگرزده بقلعه میرساند و از آنجا صد  
نموده تا حضرات بیرون آمده بیایند خود را بجمال مبارک  
ملحق کنند باری جمال مبارک با این یازده نفر  
رسیدند بنیالا که مزرعه کوچکی بود نزد یک بندر رجز  
و آمل نه این نقطه از محالهای مازندران است حصرا  
میخواستند روز حمله کنند ولی بعد از مشورت چندین  
فرار یافتند که سحر حمله نموده خود را بهر نوع هست  
بقلعه برسانند لهذا در نیالا منزل نمودند و آمل  
خبر بمیرزا تنقی خان حاکم آمل رسید که جمال مبارک  
با یازده نفر قصد حمله بقلعه طبرس دارند چون این  
خبر باور رسید فی الفور در فتصد تفنگچی فرستاد -  
حضرات چون رسیدند چیزی ندیدند زیرا این در محل  
بیلاق و تشلاق بود و غنط یک پیرمردی آنجا بود کسه  
برای مستحفظی گذارده بودند لهذا او را بید کرده  
سوال نمودند که آیا چنین نفوس اینجا آمده اند؟  
او بگوید بلی آنها در فلان اطاق خوابیده اند ولی  
اسلحه های خود را در اطاق دیگر نهاده اند زیرا

دیده ام دیشب و آن اینکه حضرت نائم را بدیدم در  
 این مسجد تشریف داشتند و انگشت خود را بدندان  
 میگزیدند یکی از آخوند ها از جای خود برخاسته گفت  
 این از کفر این حضرات است جمال مبارک فرمودند  
 این نوم با تائم خود چنین نمایند و اصحاب او را اینطور اسیر و  
 گرفتار نمایند .

شرح  
 حال

از کتاب عالم بهائی

دکتر اسلمنت

ترجمه آقای ابوالقاسم فیضی

جان اینتر اسلمنت John Ebenezer Esslemont  
 که در ۲۲ نوامبر ۱۹۲۵ در رچیف در رگدشت در ای  
 ۱۸۷۴ در ایردین شایر Aberdeen Shire  
 متولد شده و جوانترین پسران جان اسلمنت است -  
 تحصیلات ابتدائی خود را در مدرسه عمومی نورپهیل  
 تمام کرد و در کالج رابرت گوردون Robert Gordon  
 دوره دبیر را پیمود و به بالاخره در دانشگاه ایردین با  
 درجه افتخار در آوریل ۱۸۹۸ تحصیلات خویش را به  
 پایان رسانید او نه فقط درجه طبابت و جراحی نائل  
 گردید بلکه دارای نلیپ سکاوشیپ Philip Scho  
 Ship نیز شد و در آخر سال ۱۸۹۹ در رین و استراسبورگ  
 پسر سیرد و در رسیدن محل رسالاتی در باره تحقیقات  
 و تبیحات علمی خود نتاقت که بعد از انتشار عموما  
 در سوجه دبیران قرار گرفت در ۳۱ سپتامبر ۱۸۹۹  
 استاتلند مراجعت نمود و معاونت پرفسور کاش در  
 دانشگاه ایردین مشغول خدمت شد و تا ۱۹۰۱ که  
 با مترا لیا سفر کرد بدین منفل انامه زندگی داد -

در سال ۱۸۹۸ در استرالیا زیست که در زمان مدت هم ازدواج  
 نمود .  
 اسلمنت از ابتدای جوانی از حیث تند رستی و صحت  
 همیشه در زحمت و اضطراب بود در ۱۹۰۳ امپرو رشده  
 از استرالیا بد اروپا شایر مراجعت نماید تا ایستانرا  
 در آنجا پسر بر د ولی در زمستان همان سال لازم گرد  
 که بجنوب انرفتا نقل مکان نماید تا شاید آب و هوای  
 آن نقاط برای رفع امراض ربوی او مفید باشد پنجمال  
 در آن ممالک زندگانی نمود و در ۱۹۰۸ با انگلستان باز  
 گشت و عهده دار اداره یک سیناتوریم در برنموث گردید  
 و تا ۱۹۲۳ ایهمان شغل یافتی بود در اینسال صاحب  
 آن موسسه و فوات یافت سیناتوریم بسته شد و در کتسر  
 اسلمنت بدون شغل طبیی گردید در ۱۹۲۴ احضرت  
 شوخی افندی ولی امر بهائی دعوت گریس از او فرمودند  
 که زمستان را با ایشان در رچیف بسربرد در اوایل نوامبر  
 از لندن بسوی پوتسده عزیمت نمود و بر طبق مرقوم  
 که از جزیره مالت ارسال شده معلوم میگردد که -



داشته معلوم میگردد که مسافرتی مطول از شادی و شغف داشته و صحبتش نیز افزوده گشته است و در روز د ر پرت سعید اقامت نمود و اعیای آن شهر ایشانرا با نهایت صمیمیت و گرمی پذیرائی نمود روز ۲۱ نوامبر وارد حبفا شد از بد و ورود شب و روز خود را بمساعدت حضرت ولی امراله در مکاتبات کثیره متنوعه صرف نمود و با وجود غلبه بودن این خدمت را بکمال جدیت و علاقمندی تا پایان عمر ادامه داد این مختصری بود از حیات مادی اسلامت حال تد رید ر باره زندگانی روحانی او صحبت نداریم . حیاتیکه او ادامه داد و تا بد ادامه خواهد داشت در سال ۱۱۲۲ که در برمنوت بود با کمال اطمینان بسیار در مسئله خدمت کشور مشارکت نمود و در ۱۱۴۱ ارسال نماید ر این موضوع در جمعیت اطیبی انگلستان که در همان شهر تشکیل شد هیئت فرائض نمود این رساله بقتدری مورد توجه مراجع گردید که هیئتمن بوطه را بماند اما اختلافی در رها ر حفظ صحت عمومی وادار کرد خانم یکی از همکاران در کتبر اسلامتکه در ۱۱۱۱ در لندن پشرفلنای حضرت عید الهیه نائل گشته بود اول کسی بود که یاد کرد ر در ۱۹۱۴ در باره امریهائی صحبت نمود و بران تکمیل اطلاعات و بعضی مسائل بوی اد اسلامت کمند تی در تحری حقیقت بسپرد بوطری متنوعه را پیمود ه بود و به واسطه هیچ یک احساسات و عواطف اخلاص را طمینان و آرامش نیافت بمحض استماع پیام حضرت بهاء چنان در تحت تاثیر جمال و کمال او قرار گرفت که بدون فوت و نتجیح کتبی که بلسان انگلیسی راجع باین موضوع نگاشته شده بود جمع آور و نمود موتهها بتد تسمت تحصیل آنها پرد اختنی الحقیقت مصداق کامل کلمات مولای

محبوبمان کرد بد که میفرماید (مبارک باد نفسی که چون پیام الهی باورسد خود را زند هاید) (ترجمه) ترسی اود ر تحصیل گنیمند سعید ری سر پیچود که یکسال بعد بهمان خانم فوق الذکر سفارش کرد چه کتبی را باید بخواند و در فوریه ۱۱۱۶ تقریباً پس از آنکه خود پشارات الهیه را در یافت و پشزنا بمان نائل گشته بود مفصلاً بیک از دستان بهائی منجسترمز قوما ی نگاشت کسه هر جمله آن نشان میداد که با چه صمیمیت و کمالی تمام الهیه را پذیرفته و چه عمیقانه تا آنوقت نتوانسته حقایقش را درک و تحصیل نماید (۰۰۰) اگر چنانچه از خود خواهی نستبرد اریم و مطیع اراده العزیز مجری رن الهی شویم برای تسالی و ترفی رن انسان در ظل تائید اتا الهیه حدودی متصور نیست رن حقیقتاً الهیه در هر وجودی مود و غایت چیزی که دستا نیست که بسیار از اناس آنود بعداً سنا را فرصت جلوه و ظهور نمیدهند بلکه منجملش میسازند این امر است که ائی بنایه نهالی است که برای نمو و ترفی خود محتاج به حواریت شمس و ریزش باران است تا پش خورشید و فیضان مکرمت و فضل الهی لانم است تا آنرچ پیورش یافته ظهور و بروز کند ما دارای قلوبی هستیم که میتوانیم آنرا برای ورود آلا و نعماً الهی مفتوح داریم و هم قادریم بالکل از هر چیزی محروم و محرومش سازیم اگر از جهان و امیال دنیا دور برگردانید مسوی خود امتوجه شویم ر هوالم روح ترفی لاجد میتوانیم توجه بحق یعنی تفرس تام در باره حقایق آنها به صور ظاهر آنها تعین و علاقه ما برای جمیع کائنات الهیه باستی روز بسروز و بیشتر گردد و صور ظاهره اشیا را فقط پوشش حقایق داخلی و مشارق ظهور و عظمت الهی بشمریم

شود آباروزی که ساکنین اینجهان همه روی دل پیوسته  
 سوی او گردانند و همانطور که حضرت بهاء الله فرموده  
 باقلوب طامع از خضوع وانکسار متوجه حق شوند و از  
 اوتمنای تنزیه و تقدیر بر او استغاثه فضل و رحمت کشند  
 در آن هنگام ملکوت ایمنی در قلوب استقران مییابد و  
 جهان دار واحد و ساکنین آن اعضا بیک عالم گردند  
 ..... او بنفسه همانطور که حضرت بهاء الله  
 فرموده بود توجه بخدا نمود و چون بحقیقت او ایقسان  
 آورد هرگز یاند از او سر موئی از طریق محبت و عدالت  
 خارج نگشت و این حقیقتی است که هر کس مفتخر به  
 ملاقات او شده و نطقها عشقین و برانشنیده باشد هرگز  
 منکر نمیکرد و چون همان روح محبت را در نوشته های  
 خود گذارده لذا نفوس هم که با کلمات او آشنائی  
 دارند اذعان بحقیقت فوق مینمایند خدمات تبلیغی  
 او بیشتر از اقدامات کتابی بود در شهر بزموت  
 بدایت تیشیر امر شد و در آنجا جمعیتی از متمسکین  
 بامر آلهی در تحت سرپرستی وی گرد آمدند و محفل  
 روحانی تشکیل دادند و او اولین رئیس محفل انتخاب  
 گردید و تا سالیکه از انگلستان بیرون رفت بانجام آن  
 خدمت برقرار بود و نیز از طرف بهائیان آن نقطه  
 نمایندگی در محفل روحانی ملی انگلستان منسوب شد  
 در این محفل معاونت رئیس را عهده دار بود و همواره  
 از مشاوره و مواظبه او بی اندازه اعضای دیگر مستفید  
 میشدند برای تعین در آیات و الواج آلهی شروع  
 بتحصیل لسان فارسی نمود تا آنکه آثار و قلم اعلی را  
 بزیان اصلی تلاوت نماید و از این گذشته تفسیر و تالیف  
 کتابی نمود که دیگران نیز بتعالیم آلهی زود تیرا نشناختند  
 بایند و از فیض ریائی بهره مند شوند اولین فصل

این کتاب که حقا شهرت جهانی یافته در مدت  
 جنگ بین الملل نوشته شد و پس از آنکه باب مکاتبه با  
 حیفای مفتوح گردید بتقدیم حضور مبارک مولای محبوب  
 عبدالبهاء نمود در جواب هیکل اقدس او را بحیفای  
 دعوت فرمودند و مدت زمستان ۱۹۱۹ را بشرف نوز  
 لقا مرزوق و متمتع بود در این مدت حضرت عبدالبهاء  
 در باره کتاب یا مولف مذاکرات بسیار فرموده  
 پیشنهادهای مفید برای بهتر شدن آن کردند و  
 در حقیقت سه فصل ونیم که بفارسی ترجمه شده بود  
 از لحاظ مبارک گذشت سومین فصل آن که در شماره  
 زندگانی حضرت بهاء الله بود بدو در رساله علیحد  
 بطبع رسید و در نظر بزرگوار مجدداً آنرا برای فرائد  
 در مؤتمرات بیان موجوده در امپراطوری انگلستان  
 که در ریائیز ۱۹۲۴ در لندن تشکیل میشد بچاپ  
 برساند ولی بجهت بیزای آن منظور رساله مفصلترو  
 عمومی تر و مناسبتر و مفید تر لازم بود لذا در کتاب  
 اسلمنت رساله بهاء الله بیا مشرانگاشت و با جزیره  
 کوچکی بعنوان نهضت بهائی چیست انتشار داد  
 او نه فقط بواسطه رسائل مطبوعه خود معروف در عالم  
 بهائی است بلکه نیز بجهت مکاتبه با اطراف و اکناف  
 جهان چه بلسان انگلیسی و چه اسپرانتو که در آن  
 امتادی کامل بود شهرت بمزائی یافت در حیوجه  
 مشاغل کثیره اخیرو بود حیفای جزیره کوچک فوق الذکر  
 را با اسپرانتو ترجمه و مقابله مینمود که برای کنگره عمومی  
 اسپرانتو در ژنو که در اوت همانسال ترتیب داده شد  
 ارسال دارد خدمت دیگری که در انتهای اینها  
 خواهد بود خدمات و زحمات امریه دکتر اسلمنت میباشد  
 که بر همه کس مکشوف و عیان است ولی نفوسیکه با او

۱۹۲۴  
 ۱۹۲۴  
 ۱۹۲۴

تماس شخصی یافته اند و کاملاً بر تفاسیل خدمات -  
 هاشفانه ای که او با کمال مسرت و از خود گذشتگی انجام  
 میداد مطلع اند. میتوانند یخویس از اعماق قلب انهارا  
 بیان نمایند و بر آنان که شیرینی محبتها و مساعدتها  
 روحانی او را چشیده اند همه گامنافع کثیرهای که از  
 کلمات و مواعظش برده اند کاملاً در خاطر دارند و  
 یقین نموده اند که اوفقاً بوسیله اعمال و رفتار خود  
 به عالمان نشان داد که بهائی حقیقی باید چگونه  
 باشد این مرد محترم فی الحقیقه در انقطاع توکل  
 تام و اطاعت او امر الهی و محبت و خدمت به تمام ائمران  
 خود برتری یافت هیچ چیز بهتر نمیتواند حیات و  
 خدمات کس را که با کمال تمسک به عشق امر بود و  
 پانهایت وفاداری بخدمت پرور اخته بیان نماید مگر  
 توقیع منیعی که بقلم حضرت ولی امرالله پس از صعود  
 دکتر اسلمنت یافتخار و یادگار او انازل گشته :

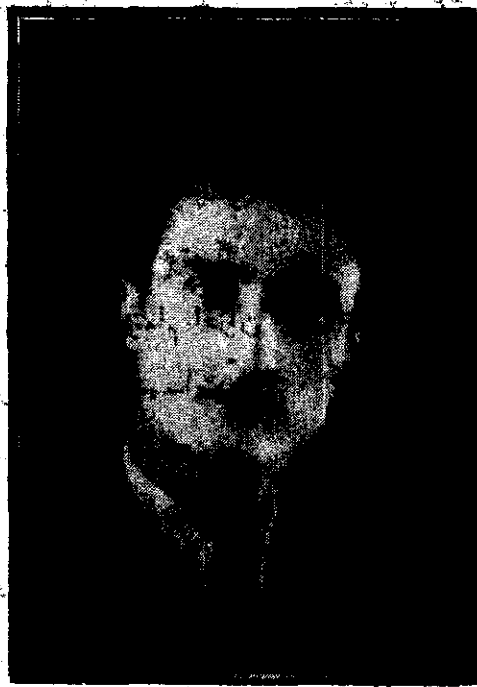
... یا احساناتی مفلو از احزان شددیده خیر  
 مصیبت دیگری که حق جل جلاله بحکمت بالغه خود  
 بامر محبوب ما وارد آورد به شما ابلاغ مینمایم در رجم ۲۲  
 نوامبر ۱۹۲۵ روز مقدس و بزرگی که احیای شرق جشن  
 اظهار امر حضرت اعلی و ولادت حضرت عبدالبهارا  
 برپا داشته بودند دکتر اسلمنت بملکوت ایمن صعود  
 نمود خاتمه حیاتش پس سریع و ناگهانی و غیرمنتظر بود  
 علت مزمن بسیار او را زنجور ساخت تا کار بجائی کشید  
 که اسیر مشکلات لا ینحل صعب العلاجی گشت که  
 مساعی اطباء حاذق و پرستاری صمیمانه در وستان  
 بسیار نتوانستند و پرا از چنگال هلاک نجات بخشند  
 در برابر مصائب بیشمار با استقامت بسیار و تسلیم محض  
 برپاری نمود با آنکه اطمینان داشت که امراض مزمنه

هرگز و برارها نخواهد نمود بسیاری از اوقات یا حیا  
 مجاور او بر زمین مقصود سفارش میکرد و امیال شدیده در  
 خویش را برای زمین نمود که در احیان شرف باعتبار مقدسه  
 از خود او در رحمن استغاثه نمایند که ایام حیاتش را  
 طولانی فرماید نهایت خدمات جزئیهای که باستان  
 آلهی میباشد کاملتر سازد در برابر این تمنای عالی هر  
 قلبی بدعا میخواست ولی تقدیر نه چنان بود تمام  
 کلی با مسائل این معبد در حقیقت یافت و امید واری بسیار  
 داشتیم لکن جمیع موقوفه گردید . کتابش که یاد بود  
 جاودانی در لوص عقیده و مقصد اوست قطعاً نفوس  
 که هنوز در حقیقت زنده نشده اند و در عالم خلقت  
 وارد نگشته اند الهام بخشیده تا بیثباتان مولف -  
 محبوب جانده حق و خدمت را یکمال استقامت و محویت  
 و نهایتاً به عشق امر آلهی بود و تا آخرین لحظه  
 حیات خود با وفا و استقامت بینظیری بخدمت پرور  
 نوه ایمان تشبیه تام محویت و خدمت خود نمائی و  
 فعالیت و خدمات طاققت فرما بشر جمیع آثار و علائم  
 اخلاق و کیفیت روحانیه عالیه اوست که باقیست و تا  
 اید باقی خواهد ماند او برای من دوست صمیمی مشا  
 معتمد مساعدی خستگی ناپذیر و مباحثی پس محبوب  
 بود با چشم اشکبار امیدوارم جمیعایمان شریک  
 گردند و در احیان تضرع از درگاه حضرت بهاء الله  
 برای روح توانائی که در عالم خاک بچنین خدمات  
 عظیمه روحانیه بودند گشته ترنبات آنها به استغاثه نماید  
 بنوعی مسائل اخلاقی و معارف امری و خدمات باهره  
 کتابش نامش را جاودانی ساخت و بسرف لیانت با پای  
 امر حضرت بهاء الله مفتخر گردید . آرامگاه اید ی او  
 در گلستان جاوید بهائیان در دامنه کوه کومل نجار

مرقد مطهر محترم حاج میرزا وکیل الدوله بنفشه حضرت  
اعلی و موسس اصلی مشرف الاذکار عشق آباد استقرار یافت  
زائرینی که زیارت او میروند بامیاهات و قدردانی بنام  
رحمت الهی مستریح باشند . ترجمه  
کسی که سرگذشت امرالهی رازینت بخشید با احتراماً  
فائزه مجری میدارند امید است الی الابد در جوار

بیاد ناکام در منزل جناب حده

ساعت ۹ ۱/۴ لیلہ چهارشنبه  
اول شهرالنور ۱۰۴ مطابق  
۵ اورد ماه ۱۳۲۵ جوانی  
برای اید چشم از جهان خاکی  
بریست و با نوادم روحانی بحال  
یاقی شتافت .  
سیح روز بعد جنازه اش را عید  
بیشماری از احباب و ساتهد انبیا  
ورفقای تحسلی اتریات جلیل تمام  
تا گلستان جاوید مشاهمت نموده  
و مد فون ساختند .  
لیلہ جمعه ۱۷ اورد از محفل تذکری

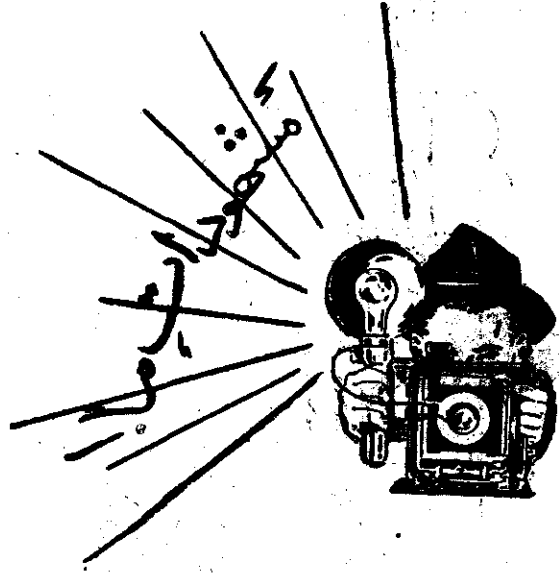


بیاد آن ناکام در منزل جناب حده  
منعقد شد در حالیکه گروه بسیاری از مشایخین شرکت  
داشتند .  
دوستان ارجمند لازم میدانم شمعان تاریخچه حیات  
کوتاه این نهال بیرونند را که اینک پژمرده در دل خاک  
خفته است بنگام تابینت و بوضع روحش آشنا گردید .  
سال ۱۲۹۷ شمسی در نجف آباد اصفهان با معرضه  
حیات نهاد . بدرومان رشاد را هرگز نام نهادند  
و چون اولین غنچه بوستان حیاتش بود در پرورشش  
کمال مراقبت منظور میداشتند در کودکی اغلب به  
آبباریهای خطرناک مواجه بود ولی در سیت تقدیر  
نگهداری مینمود . در دهفت سالگی وارد دبستان

ساعات ملی نجف آباد  
شده و سر از اخذ تصد بقنامه  
باصفهان حرکت کرد و در مد  
صارمیه اسم نویسی نمود .  
دوره پنجساله متوسطه را با  
پشتکار خستگی ناپذیری پایان  
رسانده و سپس سال ششم -  
طبیعی را در دبیرستان سعد  
اصفهان گذراند و در شهریور  
۱۳۲۱ طهران آمده در -  
دانشکده دندانسازی اسم  
نویسی کرد .  
سالهای اول و دوم دانشکده  
را با موفقیت تمام پایان رسانید و محبوبیت بسزائی  
بین استادان و دانشجویان پیدا نمود .  
در هشتم تیر ماه برادر کوچکش پرویز که تازه موفق  
باخذ گواهینامه پنجساله متوسطه شده بود در -  
شکارگاه بر اثر اصابت تیری از پای درآمد و وقتی  
همرزو پیدایش بیالینش رسیدند که مرغ روحش از قفس  
تن پرواز کرده بود .  
این ضایعه اسفناک تأثیر عمیقی در روح آن جوان  
نمود بعدیکه او را از ادامه تحصیل مأیوس ساخت  
مع الوصف با سرار پدر و مادر مجدداً بظهران آمد  
و بتحصیل مشغول شد ولی روحش در این یکسال

۱- بوم ۱۰ / خرداد / ۱۳۲۵ جشن روز زمین المللی جوانان (سیپوزیوم) در چهار نقطه شهر برترتیبندیل تشکیل گردید :

- ۱- اعضای احتفالات ناحیه ۱ در منزل جناب نایب
- ۲- اعضای احتفالات ناحیه ۲ در باغ اسامیه
- ۳- اعضای احتفالات ناحیه ۳ در منزل جناب هدایت
- ۴- اعضای احتفالات ناحیه ۴ در حظیرة القدس ملی



بمیرازد و هزار نفر جوانان در این جلسات شرکت داشتند  
 پرگرام مخصوص این جشن عملی گردید جلسات در حدود  
 ساعت ۹ بعد از ظهر با شور و انجذابیت از طرفی خاتمه پذیرفت  
 ۲- بوم ۱۹ خرداد / ۱۳۲۵ جشن سالانه تبلیغی جوانان  
 بهائیان طهران در سالن مرکزی حظیرة القدس ملی با حضور  
 اعضای محفل مقدس روحانی طهران و عده از مبلغین و ناشرین  
 نفحات الموعود هترب ۲۰۰ نفر از اعضای کمیونتهای پنجگانه

تبلیغی انعقاد یافت پرگرام مفضل و جالی که با حسن استقبال حاضرین مواجه بود عملی گردید ۱۰ این جشن ساعت نه  
 بعد از ظهر خاتمه یافت

بسیار افسرده و مغموم بود و در وقت که فرصتی می یافت بیاد آن ناگام اشک میریخت. یاری سال سوم تحصیلی  
 را بدین منوال گذراند و پس از امتحان و ارتقاء به کلاس چهارم برای گذراندن ایام تابستان عازم نجف آباد شد  
 بمحض ورود در چارتاب مالت گردید و پس از مدت پنجمه ایستاد در اثر مراقبت والدینش تب قطع و قوای رفته اندک  
 اندک تجدید شد و با وجود ممانعت پدر و مادر در آن راه سال قبل بطهران آمد ولی بمجرد ورود باز مریض شد  
 و تا فروردین سال جاری بستری بود تا آنکه اندک بهبود یافته راه دانشگاه را پیش گرفت. امتحانات نزدیک  
 بود و او میخواست کار سالانه را در یکماه انجام دهد لذا بخود فشار میآورد تا این موفقیت را کسب نماید سه فقره  
 مواد کلاس خویش را در حال کسالت و رنجوری امتحان داد و بطوریکه از شدت بی‌دردی سرمینالید. مابین امتحان  
 سوم و چهارم بود که که در روز سرافزون گردید و تب عارض شد و او را بستری کرد مادرش که تنها پرستار او بود  
 تلگرافاً پدر را احضار کرد ولی افسوس وقتی پدرش بیالین فرزند رسید که آفتاب حیاتش نزدیک افول بود  
 پدر که دو سال قبل بامرگ فرزند در بهت مهلکی بر بستر حیاتش خورده بود تا حد امکان بکمک اطباء حادثی در  
 نجات فرزند با جگرگوشه خود کوشید ولی افسوس! ساعت ۹ شب فرارسید در آن موقعیکه دوستان و احباب در  
 جلسات ضیافت بترتیب آیات مشغول بودند شمع حیات این جوان روحانی که محاسن اخلاقی و فعالیتش در  
 امور خارج از توصیف است یکباره خاموش شد و بدو از اینجهان فرو بستند وستان خویش را در ماتم گذاشت (موسیتا للممد ر)

آهنگ بدیع - از آستان قدس الهی یکمال عجز و ایتها ملتسم که آن متصاعد الی الله را غریق بحر رحمت  
 فرموده و بیایماندگان آن مرحوم صبر جمیل عنایت فرماید  
 (۱۳)

انترطبع آقای دستوری

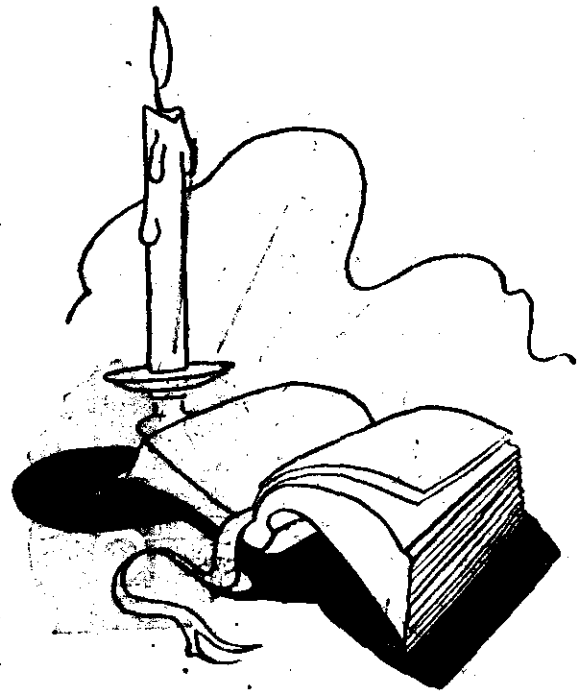
((مناجات عشق))

بنام آنکه این عالم بنا کرد  
بنای عالم از مهر و وفا کسرد  
بنام آنکه درها را صفاد آن  
بماشق خصلت مهر و وفاد آن  
بنام آنکه داد از عشق و عرفان  
دل آزادگان را نور تابان  
بنام آنکه داد از مهریانی  
بماشق شیوه گوهر نشانی  
بنام آنکه سرآت جما لشر  
بظا هر شده لبی بر کما لشر  
بنام آنکه با نفس خود ائی  
نمود ایجاد آئین بهائی  
هوید اگشت آن کز نهانی  
که تاد بگزنگوید لن تدرانی  
هوید اگشت با تاج انا الحق  
حقیقت بین ببیند ذات مطلق  
در این آئینه چشم پاک بیند  
نه هرزنا پاک بی اد راک بیند  
الا ای ذات پاک کبریا ائی  
الا ای موجود دین بهائی  
برای عالم امکان بهائی  
خدائی تو خدائی تو خدائی  
تو هستی یاد شاه ملک و هستی  
بزن پسر هم بساط چبره دستی  
آهسی هر چه خواهی از تو خواهی  
آهسی که ریناهت ده پنا هم  
آهسی از تو خواهی عشق و مستی  
که بیزارم ز نقش خود پرستس  
فزون کن در دل من عشق سوزان  
یسوزانم یسوزانم یسوزان  
که دستوری جوانی خاها باشد  
خوشا کو پخته ایام باشد  
خدانشناس باشد چون بهائس

عرفت الله من فسخ العزائم

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX  
XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX  
XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX  
XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

تو که یا صد رننوشی می وحدت چه بمن  
منکه مخمور می جام الستم بتوجه  
تو که مومن نشوی دین بهاء را چه بمن  
من بهائیم و او را پیرستم بتوجه



از اشعار آقای صد رالد بن حبیبی کرمانشاهی

مفتی شهرآگرای پیخود و مستم بتوجه

روز و شب در بر خیمهای شگستم بتوجه  
تو که خون دل مردم بخوری به چه بمن  
منکه سرمستم و یاد ما است بدستم بتوجه  
تو شب و روزیت زویری وزهدی چه بمن  
منکه این دام با سان بگنستم بتوجه  
تو بظاهرم همه روز کردائی چه بمن  
من بیاطن متوسل بگه هستم بتوجه  
تو عبادت کنی از روی ریا و چه بمن  
منکه معبود حقیقی پیرستم بتوجه  
تو بهر لحظه بیک رنگد رآئی چه بمن  
من در این گوشه بیرونک نشستم بتوجه  
تو که تحت الحنك انداختهای به چه بمن  
من کراوات چه زنا بیستم بتوجه

علل اقتصاد ی - تمرکز سرمایه

صلح

گشت و ایجاد اختلا فاتی نمود که جز

د عصر جد بد هیچ موضوعی باندازه

بماقصود اهل

انقلاب و جنگ و خونریزی چارند ا شت

سرمایه داری مورد بحث و اختلاف و

پهنا

بطور کلی از وقتیکه توده های عظیم بشری

نطق و مباحثه نزار نگرفت و هیچ اصلی

-۴-

از خود پرسیدند ( آبا میتوان قدرت

باندازه اصل سرمایه داری با کینمو

سرمایه داران را تخفیف داد ؟ ) اختلاف

خشم و غضب و انتقاد توده

\* \* \* \* \* بقلم آقای سپهر سرجمند \* \* \* \* \*

و انقلاب عظیمی رخ داد

مواجه نشد در اجتماعات

از رنج کشاورزان است آسا پیش هر دایرا

یعنی چون طبقه ثروتمند

کنونی گروهی دارای وسائل

در گوشش سرزد و راست سرمایه یازگان

بهر تصمیمی که بمنظور

تولید مانند ابزار کار ماشین کارخانه زمین زراعتی

ترتیه حال طبقه کارگر گرفته میشد جدا مخالفت -

هستند و دسته دیگر فقط صاحب نیروی کارند

میکردند و از طرف دیگر ایجاد ( پادشاهان ) صنعت

بطور کلی گروه اول را سرمایه دار و دسته ثانی را

واملاک و بانکها که ثروت ملی را در کف عده معدودی

کارگر گرفته اند . نکته مسلم آنست که کارگر بدون

فرار میداد سبب فقر طبقه ثانی میگشت تحولات و

وسائل تولید که در دست صاحبان سرمایه است

انقلاباتی رخ میداد که گاه آفاق صلح را تیره و تاریک

نمیتواند از نیروی کار خود استفاده نماید و همچنین

میشوند

صاحبان کارخانه و املاک نیز بدون نیروی کارگر

این در یک جامعه بود که زمین و دول نیز تزیاید و تمرکز

نمیتوانند از اموالی که در اختیار دارند بهره ببرند

سرمایه موجود جنگ است چه مشاهده میکنم در قرن

بالنتیجه با یکدیگر در تماس خواهند بود - توسعه

۱۹ با توسعه سرمایه مالی احتیاج سرمایه داران بزرگ

ثروت و تجمل طبقه اول سیب گردید که توده ها و

بد داشتن بازارهای تازه و منافع جدید مواد اولیه بیشتر

جماعات عظیم بشری یعنی کارگران و کشاورزان چون

افزایش یافت تا آخر این سده سرمایه داران میتوانند

فرد واحدی قدر علم نموده و نیروی خود را تمرکز

کالاهای خود را بمالک عقب افتاده بفروستند بدون

دهند شاید بتوانند بدین طریق از حقوق خود -

آنکه در اینجا با سرمایه های مالک دیگر مواجه گردند

دفاع نمایند و وضع اجتماعی و اقتصادی خود را -

و حتی برخی توسعه داده در آسیا و آفریقا و امریکای

بهبود بخشند و سعی کنند در عین حال از قدرت

تجارت مشغول بوند با توسعه سرمایه داری کم کم

سرمایه داران نیز یکاهند طبقه اول نیز دست

مالک دیگر نیز بفرمانده از این بازارها افتادند

اتحاد بیکدیگر داده اند و باسیم و زر خود سد

واشکالاتی برای صدور کالا پیش آمد - چون فقر توده ها

نیرومندی در مقابل آنها کشیده اند و خود را بیس

منافع از این بود که از این نتواند جلوگیری نمایند منافع

آن از نفوذ و موقع مهم خویش دفاع میکنند باین رو

سرشارید است و بگران اقتاد و در این ترقی دول بیکر

تمرکز قدرت خود پرستی و خود خواهی طبقات نیز

حفظ منافع خود افتادند و قشون عظیمی تدارک دیده





نیاید غالب بر شخصیت او شود بلکه باید بنسد و فرمانبرداری و مطیع روح و عقل او باشد .

در موقعیکه انسان در چهار ضعف یا فقر قوای روحی است صحت و سلامت کامل عقل و بدن وجود نخواهد داشت خوب دقت کنید چه بسیار در اطراف اشخاص را که در چهار فقر روحانی هستند ملاحظه میکنید . اکثر اشخاصی که با آنان برخورد میکنیم دارای نیامدهای گرفته و صورتهای عبوس بوده علائم و آثار ناراحتی و عدم رضایت و فقر و مسکنت از جبین آنان هویداست .

حضرت عبدالبهاء روح مساوی نداده غالباً از زانوین خود سؤال میفرمودند "آیا خوش هستید؟" زیرا بنین کامل داشتند که مسرت و خوشی حقیقی در ضمن ایمان و صحت روح حاصل میشود و غالباً میفرمودند که ما باید مسرور و خوش باشیم زیرا معتقد بودیم که خوشی باید از درون انسان ایجاد شود و چنین مسرتی حاکی از صحت کامل روح بوده در سلامت قوای عقلی و جسمی مؤثر است . اکثریت جامعه امروز اهمیت زیادی به بهداشت قوای بدنی خود داده در تقویت قوای روحانی غفلت میکنند و در حقیقت نیروی روحانی در اکثر مردان و زنان امروز وجود ندارد شخص کامل کسی است که موازنه بین هر سه قوه را نگاه میدارد . جمال مبارک در کلمات مکتوبه یا بنیانیات عالیات خطاب بنسوج بشر میفرمایند "یا این الروح خلقتک عالیاً جمیلت نفسک دائیة فادع الی ما خلقت له" چنانچه نیروی روحانی مادی دارای صحت کامل باشد چه بچوچه از تمام احتیاجات مادی معذب نخواهد بود حضرت مسیح میفرماید "اول ملکوت و عدالت خدا را جستجو کنید تمام احتیاجات شما مرتفع خواهد شد ."

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :  
طبقات انسانی از حیث فکر - ملیت - نژاد  
لسان متفاوت می باشند و احتیاج شدید بیک مرکزیت اجتماعی که موجب اتحاد و رفع این اختلافات در بین نوع بشر گردد دارند - دقت کنید چگونه همیشه چیز جزئیه روحانی قادر بایجاد این اتحاد نیست زیرا وسائل مادی و فکری بقدری مختلف و متباين است که ایجاد الفت و اتحاد بوسیله آنها غیر مقدور است و دلیل این امر وضع اشتباه کنونی دنیا است که افکار و عقایدی که بنسوی روحانی تفویض نشده آنرا اداره میکنند ولی برای همه مهیسا است که بوسیله يك روح نور شمس حقیقت را جذب و جلب نمایند و با عواطف روحانی به یکدیگر نزدیک شده اتحاد عالم انسانیت را ممکن سازند بنا بر آنچه ذکر شد جامعه جوان بهائی در همین اینکه نسبت پرورش نیروی جسمی خود اقدام می کنند نباید از تقویت نیروی روحانی خود غفلت نمایند و همیشه باید موازنه بین نیروهای جسمانی و عقلانی و روحانی را که موجب آرایش ظاهر و باطن آنهاست حفظ نمایند . انتهى

دلمسی بی آرزو نیست  
نفسی بی آمل و آرزو نیست سلطان  
وگدا شرکس مبتلی بضمی است و در چار مشکلی  
چون بحقیقت نگری دلی بی آرزو نیست و هیس  
آرزوی من درون محنت و ملال نه پس هرگونه آملی  
سبب زحمت و وبال است و مانع سرور و مسرت بال  
مگر آمل نفوسیکه دل بجهان آملی بندند  
سرور روحانی بایند مسرت وجدانی حائلی  
آن نفوس در همین بلا شانند و در نهایت ابتلا  
آزاد . (نقل از سفرنامه حضرت عبدالبهاء)

\* \* \* \* \*

حضرت عبد البهاء

\* \* \* \* \*

ترجمه و نگارش عزت الله هراتی

مسیحی نیز یا خدا ی خویش چنین

(۲) \* \* \* \* \*

راز نیاز مبرک ، ای روح خدا ! ای پدر آسمانی این  
 مسلمان بی دین زاجنان یته دریا انداز که دیگر چشم  
 بروی جهان و جهانیان باز نکند .

در این ضمن بهبودی ساکت و آرام در فکرنجات بود از  
 او پرسیدند که تو چرا برای نجات خود روی باستان  
 آلهی تمپاوری؟ گفت من نیز در دل خود دعا بسوی  
 خداوند میکنم که دعای هر دو وی شما مورد قبول واقع شود !

چند نصیحت

- ۱- دوستان کوچک هرگز برفقایان که عیبی  
 طبیعی در بدنشان دارند نخندید و آنها را  
 مسخره نکنید این را یاد کنید که اگر کسی بتواند  
 خود شربیش از هر کسی میخواهد عیبش را رفع کند .
- ۲- اطفال عزیز از خواندن داستانهای پلیس  
 و جنائی و عشقی و غیره نتیجه نمیبیرد جز اینکه وقت  
 خود را تلف نموده و مغز خویش را گرفتار اندیشهها  
 پریشان خواهید ساخت حضرت عبد البهاء خواندن  
 این قبیل کتابها را منع فرموده اند کتابی بخوانید که  
 کارها چیزیشما یاد بدهد .
- ۳- اطفال عزیز اگر دینفر با هم حرف خصوصی  
 میزنند سعی نکنید حرف آنها را بشنوید مطمئن باش  
 که شنیدن آن برای شما نفعی ندارد .
- ۴- همیشه بآینده خود فکر کنید و برگرام کسار  
 فردا را قبلا تنظیم کنید پدر و مادر شما میتوانند در  
 این باره کمکهای قیمتی بشمای نمایند .

اطفال عزیز همه میدانید \* \* \* \* \*

بزرگترین درمی که دینت مقدسه بهائی  
 بما میآموزد وحدت و یگانگی بین تمام اشخاص  
 جهان است برای ما کلیسی - مسیحی - مسلمان  
 و غیره فرق و تفاوتی ندارند ما همه را مثل  
 برادران و خواهران خود دوست میدانیم چه  
 که حضرت بهاء الله میفرمایند :

" ای اهل عالم سراپرده یگانگی یلند شد چشمم  
 بیگانگان یگد بگررا ببینید همه یاریک دارید و برگ  
 یک شاخسار "

در اینجا حضرت عبد البهاء در باره اختلاف و دشمنی  
 پیروان ادیان بایکدیگر این حکایت را بیان میفرمایند  
 که ما برای شما مینویسیم :

در زمانهای گذشته یک نفر مسلمان یا یک کلیسی  
 و مسیحی در قایقی سوار بودند نایقشان بآهستگی  
 روی آب حرکت میکرد هیچ صدائی و حرفی از این سه  
 نفر بگو شنیم رسید ناگهان طوفان -  
 سهمگینی برخاست باد سختی وزیدن گرفت و قایق  
 کوچک آنها را به طرف پرتاب میکرد تا آنکه  
 امواج هولناک دریا هر سه آنها را در آب فروبرد  
 هر یک بسختی شنا میکردند که شاید نجات یافته  
 و از سرگ حتمی محفوظ باشند . . . . . دیگر خسته  
 شده بودند و خطر نزدیک میشد . مرد مسلمان  
 روی خود را بسوی آسمان کرده گفت یا رسول الله !  
 این مسیحی کافر را در گرداب انداز و نابود کن  
 چه که کفار را مرگ بهتر از زندگانی است .

این شخص هم بسد شکل بود و هم بد

آواز سین را سین میگفت و حاراها تلفظ میکرد چون  
د را اول و هله صدایش باذان بلند شد کفار استهزا  
کرده تمسخر نمودند مولوی میفرماید :

آن بلال صدق در ریاضت نماز

حق را همی گفت از روی نیاز  
جمله گفتند این پیمبر کی رواست

این خطا اکنون که آغاز بناست  
جمله معترضین استهزا کردند این آیه قرآن نازل  
شد قوله تعالی " یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر  
وانثی وجعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم  
عند الله اتقاهم ان الله علیم خبیر " (سوره حجرات  
آیه ۱۳) مضمون اینکه : هیچکس را بر دیگری از حیث  
شئون ظاهر ترجیحی عند الله نیست فقط تقوی سبب  
تفوق عباد پرگاه حق است شرح حال بلال را در  
مثنوی ملای روم میتوان دید اکبید و بخوانید در کتب  
اسلامی هم شرح خالشر مفصلا ذکر شد از جمله در کتاب  
الانوار النعمانیة سید نعمت الله جزایری و سایرین در کتب  
دیگر نوشته اند که بلال غلام زرخر زید یکی از کفار بود و  
چون مولای بلال از ایمان غلامت نسبت بر رسول اکرم  
مطلع شد هر روز او را کتک زیاد میزد و زجر بسیار مینمود  
تا از محبت رسول بازگردد و او را در میان آفتاب گرم سوزان  
برامیداشت و انواع عقوبات معذب مینمود آنچه در  
براند بت و جفاد را اصحبت سور را ضعیف صبر میکرد و هر  
آن بر ایمان و ایقان میافزود تا آنکه پیغمبر اکرم او را  
خرید و آزاد ساخت و بقلب مؤذن رسول اللع لقب شد  
گویند اول مرتبه که بحضور رسول اکرم رسید بزبان

رسول الله کلام او را در ضمن بیت ترجمه کرد .  
اذا المکالم فی آفاقنا ذکرت

فانما یک فینا بضرب المثال

یعنی چون در مملکت ما خواهند مجتمع جمیع مکالم و  
صفات فاضله را یاد کنند حضرت را ضرب المثل قرار  
دهند برخی از مؤلفین عین عبارت حبشی او را هم ذکر  
کرده اند ولی چون بنظر مجعول آمد در این دفتر مرقوم  
نگشت . قسمتی از شرح حال مؤذن رسول الله را در  
مجله دهم عالم بهائی در ضمن مقاله " که در بل عنرا " .

" down on mountain hera . "

نگاشته شده میتوان دید و مطالعه فرمائید . بلال  
حبشی اینهمه جاه و جلال معنوی را بواسطه جمال  
یا طنی و قلب نورانی خود دارا شد و چون در رانیه  
و بلاد رراه محبوب اصغیا شکبیا بود بمقاد بشر لصابرین  
(بقره) و بمصداق انما یوفی المنا برین اجرهم بخیسر  
حساب یا بن مقام رسید . آری استقامت و صبر و فضای  
آلهی و امتحانات شدیده رانیه سبب ارتقای مقام  
مخلصین است بقول مولوی :

عشق از اول سرکش و خونی بود

تا گریزد هر که بیسرونی بود  
اوائل کتاب مبارک ایقان را بخوانید تا با سرار امتحانات  
آلهیه بین برید که میفرماید قوله تعالی :

" . . . و از جمله انبیاء نوح بود که نهصد و پنجاه سال  
نوحه نمود و عباد را بواد ایمن روح دعوت فرمود و احدی  
او را اجابت ننمود و در رنبریم بقدری ایفاء و انبساط  
آن وجود مبارک وارد میآوردند که بقیین بر ملاکت

اومینمودند و چه مراتب سخریه و استهزا و کبابه که بآن حضرت وارد شد چنانچه میفرماید و کلمتا مرعلیه ملا من نومه سخرؤا منه قال ان تسخرؤا منافانا نسخر منکم كما تسخرون نسوف تعلمون و بعد از مدت ها چند مرتبه وعده انزال نصر باصحا خود نمودند بوعده معین و در هر مرتبه بداند و بعضی از آن اسحاب معدوده بعلت ظهور بداء اعراض مینمودند چنانچه تفصیل آن در اکثر کتب مشهوره ثبت شده و البته بنظر عالی رسیده بسا میرسد تا آنکه بانی نماید از برای آن حضرت مگر چهل نفس و یا هفتاد و دو نفس چنانچه در کتب و اخبار مذکور است تا آنکه بالاخره ندا رب لاتذر علی الارض من الکافرین دبارا از جان برکنید حال قدری تأمل باید که سبب چه بود که در این مسأله آن عباد یابن قسم اعتراض نمودند و احتراز جستند و از تمییزی به خلق ایمان مفتخر و فائز شدند و دیگر چرا در وعده های الهی بداند که سبب ادبار بعضی مقبلین شود بسیار تأمل باید تسام یا سرار امور غیبی واقف شوید و از طیب مدنوی گلستان حقیقی یوشی پرند و تند بنمائید کسبه امتحانات الهیه همیشه در مابین عباد او بود و خواهد بود تا نور از ظلمت و صدق از کذب و حق از باطل و هدایت از ضلالت و سعادت از شقاوت و خارا از گل ممتاز و معلوم شود چنانچه فرموده است

الم احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امنا و هم لا یفتنون . . .

و حضرت عبدالبها میفرماید : امتحان از برای صادق موهبت حضرت بزدانست زیرا شخص شجاع

بمیدان امتحان حرب شدید بنهایت سرور و شادمانی بشتاید ولی جیان بترسد و بجزع و فزع افتد و همچنین تلمیذ ماهر در روس و علوم خویش را بنهایت مهارت تنبیح و حفظ نماید و در روز امتحان در حضور استاد در نهایت شادمانی جلوه نماید و همچنین ذهب خالص در آتش امتحان با روی شکفته جلوه نماید پس واضح شد که امتحان از برای نفوس مقدسه موهبت حضرت بزدانست اما از برای نفوس ضعیفه بلا ی ناگهان . انتهی

( مکاتیب جلد دوم )

باری مؤذن تقفازی یا لحن غم انگیز اذان میگفت و هر دو دست خود را بگوش نهاد و یا شدت وحدت هر چه تمامتر فریاد میکشید . فریاد های اوسهیب شد که رشته محاورات مقلطوع شد . حاخام اظهار داشت که وقت خیلی گذشته خسته شدیم اجازه بفرمائید کسی استراحت کنیم و غذائی صرف نمائیم پس از آن باز سخن را ادامه خواهیم داد پیسر بزرگوار برخاست و بطرف غرفه خود روان شده با ستر بود اخت حاضرین پس از رفتن پیر هر یک چیزی میگفتند یکی او را یهودی میدانست و دیگری مسیحی سومی میگفت مسلمان است و حافظ قرآن حاخام گفت که شخص بیدینی است و راهزن کبشرو آئین بقول مولوی :

هر کسی از ظن خود شد بار من

وزد رون من نجست اسرار من

سرم از فاله من دور نیست

لیک چشم و گوش را آن نور نیست

( بقیه در شماره بعینست )

سؤال و جواب

(۱) یقینہ سوالات آقای گیو خاوری :

س - چرا مظاهر مقدسه همگی از شرق برخاستند و با وجود این شرق از غرب عقب است ؟

ج - شرق همیشه مطلع انوار بود و احوال مبارک مناطق آن و میفرمایند روحانیات از شرق به غرب رسیده و میگردند و غرب باید در قسمتهای مادی ظاهری کمک بشرق کند علیهذا از جهت امور روحانی و تعالیم اساسی و فیسرها شرق هیچوقت از غرب عقب نبوده است و الان هم این مطالب در شرق بمراتب پیش از غرب است و اما در مسائل دنیوی و مادی و تمدن ظاهری نیز در روزگاری که دینت تمدنای واقعی و روح حقیقی خود را از دست شرق از از غرب جلوتر بود چنانکه با فرار خود غریبها اساس نندم غرب استفاده از منابع موجود در شرق بود تا است تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل .

(۲) جواب سؤال آقای اسد اللہ عبد الرحیمی :

س - حضرت بهاء الله در لوح احمد میفرمایند : اگر کسی بصدق مبین این لوح را بخواند اجر صد شهید را دارد بعضیها بما ابراد میکنند آباد رحقیقت چه جواب بگوئیم ؟

ج - حصول اجر صد شهید و اجر عبادت ثقلین برای تلاوت کنندگان لوح مبارک احمد مشروط بانستکه شخص یا صدق مبین آنرا تلاوت نماید صدق مبین جز از عبودیت محضه و انقطاع صرف و خلوص و توجه کامل و اطاعت اوامر و احکام الهی از دل و جان حاصل نشود و تعجب نیست اگر برای چنین شخص که متجمع جمیع صفات و شرائط

شماره هم مذکوره است اجر صد شهید از قلم الهی آنهم بصرف فضل مقدر گردن در براد رحمن لوح احمد پس از ذکر صدق مبین میفرمایند " کذالك فمنا عليك بفضل من عندنا ورحمقن لك نانا در شرایع قبله نیز امثال این مطلب موجود از جمله در احادیث قدسیه اسلامیه وارد شده عیدی اطمنی حتی اجعلك مثلن آباد ری رتو عیود بیت که مراد ف یا صدق مبین است حصول مثلیت تعجبی دارد ؟ همچنین برای شخص دارای صدق مبین اگر بصرف فضل اجر صد شهید مقرر گردد تعجبی نخواهد داشت و نیز در احادیث مقدسه وارد شده میفرماید : العبودية جوهره کتبهها الربوبية آیا حصول منزله ربوبیت در نتیجه عیود بیت مهمتر است یا حصول اجر صد شهید برای تلاوت کنندگان لوح احمد که آیات الهیه است یا طرد قرمبین ؟ در قرآن مجید سوره توبه مومنین و مومنات را بخلود در جنات تجری من تحتها الانهار و مساکن طیبه در جنات عدن و علاوه همه اینها به رضوان من الله اکبر وعد فرموده و در آخر آیه هم کلمه نور عظیم برای آنها ذکر نمود تا با اینهمه درجات و مقامات و رضوان اکبر و نور عظیم و ۰۰۰ باعث تعجب نیست ولی دیگر اجر صد شهید برای مومن دارای صدق مبین سبب تعجب است ؟ در انجیل جلیل حضرت مسیح علیها السلام خطاب بخوا ربین و مومنین ثابتین خود فرمود که هر چه را شما باز کنید و بایبندید قدرت دارید و بیرون فرغان خطایا توانائید و ۰۰۰ مادام که ایمان خالصانه را بایبند رجه برساند تعجب نیست اگر بصرف فضل اجر صد شهید و غیره باومن عند اللعطا شود باری آنها که گفته میگویند اگر شخص خطاکار و فاسد العمل لوح احمد را بخواند اجر صد شهید مییابد



نتیجه مسابقه شیرین ترین خاطره تبلیغی  
 از میان جوابهای واسله جواب آقای اسمعیل پارس نژاد برنده  
 مسابقه شناخته شد . امید داریم عین خاطره تبلیغی ایشان را در  
 شماره های بعد از نظر خوانندگان عزیز بگذرانیم .  
 از آقای پارس نژاد تمنی داریم برای دریافت جایزه خود بدین  
 مجله آهنگ بدیع واقع در حظیره القدس مراجع مفرمانند .

حل مسابقه شماره ۱

۱- جزیره سلب

۲- دریای بالتیک

از میان کلیه شرکت کنندگان در این مسابقه آقای روح الله معنوی  
 برسم قرعه برنده جایزه شناخته شدند .

تمنی است برای دریافت جایزه خود بدین مجله آهنگ بدیع مراجعه فرمایند

حل مسابقه شماره ۷	س	ی	م	ش	ر
۱- ک	ل	ا	ی	س	۱
۲- ح	ص	ا	ر	ن	۳
۳- ل	م	ب	ا	ر	۴
۴- ن	ی	ا	گ	ا	۵
۵- ل	ا	ل	ه	ز	۶

جواب کلیه شرکت کنندگان در این جدول صحیح بود .  
 جایزه این مسابقه بحکم قرعه بخانم محبوبه مسلمی تعلق گرفت .  
 مستدعی است برای دریافت جایزه بدین مجله مراجعه فرمایند .

بقیه از صفحه ۲۱ - در این سورت زحمات و جانفشانی  
 های باب الیاب و غیره بهیچ وجه در میرود زیرا بکنفرتیابها  
 بر اثر تلاوت لوح مزبور میتواند مقام را احراز کند که صد  
 مرتبه بالاتر از مقام سایر شهدا است و ۱۰۰۰ در این  
 گفتار را مخطا پیمود هاند زیرا حصول اجر معهود منوط به  
 حصول شرط صدق مبین است و صدق مبین بسیار مشکل  
 است بقول مولوی " طعمه هسرمزگی انجیر نیست  
 امامت را بدین اجر صد شهید و عیادت ثلثین برای صاحب  
 صدق مبین چنانچه نگاشته شد بدین سورت فضل است  
 زیرا میفرمایند " کذلک مننا علیک بفضل من عندنا و رحمة  
 من لدنا " و در مواهب فضله اعتراض وارد نشود و چون  
 و چرا راه ندارد چنانچه بدیهی و محتاج شرح نیست .

مسابقه

هیئت تحریریه آهنگ بدیع تحریر سه مقاله  
 جامع را در مباحث ذیل در مسابقه میگذارد :

۱- " مبحث تاریخی " شرح حال کامل جناب  
 نبیل زرنندی از روی منابع صحیح و موثق .

۲- " مبحث اجتماعی " هدف شما در رازدواج  
 چیست ؟

۳- بهترین داستان اخلاقی .

برای شریک از این سه مقاله جایزه بشود  
 ذیل تعیین گردیده است که بهترین و  
 صحیحترین جوابها بحکم قرعه داد خواهد  
 شد .

۱- جایزه " مبحث تاریخی " يك نایب خاتم  
 ۲- جایزه " مبحث اجتماعی " يك قلم خود نویس  
 ۳- جایزه " بهترین داستان " يك آلبوم  
 عکس شرح سابقه قبول جوابها ۲۸ / ۲۵